

ورود متفقین به ایران و مسئله آلمان ها

دکتر نعمت احمدی

استاد یار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و وکیل دادگستری

nematahmedi@gmail.com

یونسی صادقی

کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Ysadeghi89@gmail.com

چکیده:

رابطه ایران و آلمان در دوره رضا شاه از پرتنش ترین مسائل سیاسی آن روز به حساب می آمد. چرا که رابطه مستحکم بین دو کشور، به خصوص در حوزه مسائل اقتصادی، نگرانیهای عمده ای را در ذهن دولتمردان متفقین نسبت به ایران و شخص رضا شاه ایجاد کرده بود. این رابطه به نوعی اصلی ترین دلیل اشغال ایران از سوی متفقین عنوان شده است. چرایی حضور آلمان ها در ایران و حساسیتی که متفقین در حین جنگ جهانی دوم نسبت به این موضوع از خود نشان دادند نیاز به واکاوی اساسی در روابط بین دو کشور و همچنین نگاه کشورهای دیگر به این موضوع دارد. این مسئله به قدری در روابط خارجی ایران مهم بود که با شروع جنگ جهانی دوم، ایران را وادار به سیاست بی طرف در جنگ نمود. اما پس از اینکه آلمان ها در موضع برتری در جنگ قرار گرفتند، ایران رویه بی طرفی خود را کنار گذاشت و به سمت آلمان متمایل شد. این مسئله با التیماتوم شدید متفقین به ایران روبرو شد. اما وقتی جواب دولتمردان ایرانی، متفقین را قانع نکرد آنها در شهریور ۱۳۲۰ ایران را اشغال کرده و صدمات جبران ناپذیری بر کشور تحمیل نمودند. سوال اصلی این مقاله نوع رابطه رضاشاه با آلمانها در آستانه جنگ جهانی دوم است و پیش فرضی که مطرح می شود ناظر بر یک رابطه مستحکم در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که منجر به اقدامات متفقین و سقوط رضاشاه می شود.

واژگان کلیدی: رضاشاه، آلمان، متفقین، جنگ جهانی دوم، ایران

مقدمه:

شروع جنگ جهانی دوم باعث تغییرات گسترده در روابط خارجی کشورهای درگیر جنگ شد. به واسطه این تقابل متفقین با آلمانها، کشورهای همسو با نازیها از جمله ایران مجبور به موضع گیری رسمی شدند. با وجود اعلام رسمی حکومت ایران مبنی بر بی طرفی در جنگ، نیروهای بریتانیا و شوروی به بهانه حضور آلمانها، خاک کشور را از شمال و جنوب مورد تعرض قرار دادند که این مسئله باعث استعفای رضاشاه از حکومت و ورود محمدرضا پهلوی به صحنه سیاسی کشور شد. در این مقاله شروع جنگ جهانی دوم، روابط ایران و آلمان و نگرانیهای متفقین از حضور آلمانها و در نهایت سقوط رضاشاه از حکومت به بحث گذاشته شده است.

ایران و جنگ جهانی دوم

شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ میلادی (۱۳۱۸ شمسی) که با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. در اولین روزهای جنگ دولت ایران بیطرفی خود را اعلام نمود. رضا شاه در نطق خود در مراسم افتتاح دوازدهمین دوره مجلس شورای ملی بر این موضوع تاکید و اظهار امیدواری کرد که دولت ایران، روابط دوستانه خود را با کلیه کشورها اعم از متخاصم یا غیر متخاصم حفظ کند. (ذوقی، ۱۳۶۷: ص ۲۸)

در ۱۱ شهریور ۱۳۱۸ بیانیه رسمی از سوی محمود جم نخست وزیر وقت در مورد بیطرفی ایران در جنگ صادر شد « در این موقع که متأسفانه نایره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است، دولت شاهنشاهی ایران به موجب این بیانیه تصمیم خود را به اطلاع عموم می رساند که بیطرف مانده و بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد.» (برای ملاحظه متن سند رک: ضمیمه ش ۱؛ رضانی، ۱۳۸۶: ص ۱۹۲) وزارت کشور ایران نیز بیانیه ای خطاب به اتباع بیگانه صادر کرد که در آن آمده بود: « به بیگانگان در ایران که تحت هر عنوان زیست می نمایند لزوماً آگاهی داده می شود از ابراز هرگونه احساساتی که منافی بیطرفی کشور ایران باشد، جداً خودداری کرده و متوجه باشید که مبادا برخلاف مقررات بیطرفی، حرکتی از آنها ناشی شود و به وسیله وزارت امور خارجه به سفارتخانههای خارجی در ایران این بیطرفی اطلاع داده شد و از آنها خواسته شد که بیطرفی ایران را محترم بشمارند، چرا که ایران مصمم به حفظ بیطرفی خود در تمام احوال می باشد.» (درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۵۵: ص ۲۱) اما پس از این اتفاقاتی افتاد که این بیطرفی از دیدگاه متفقین نقض و باعث هجوم شوروی و انگلستان از مرزهای شمالی و جنوبی به داخل خاک ایران شد. از مهمترین مواردی که در این مقطع زمانی ذهن کشورهای متفقین را به

خود جلب کرد حضور آلمانی‌ها در ایران بود که خطری بالقوه برای آنها به حساب می‌آمد. با وجودی که دولت جم بلافاصله پس از شروع جنگ اعلام بی طرفی نموده بود، انتخاب دکتر متین دفتری به ریاست دولت دلیل مهم و قاطعی برای کشورهای خارجی بود که حکومت ایران یکی از رجال ژرمانوفیلی خود را در راس دولت قرار داده است و بدین ترتیب دولت ایران در این جنگ خود را طرفدار آلمان معرفی نمود. (عاقلی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۱) در مورد علت اینکه چرا رضاشاه پست نخست وزیری را کمتر از دوماه پس از آغاز جنگ جهانی دوم به متین دفتری سپرد انتقادات زیادی شده و تمام انتقادکنندگان این امر را صرفاً ناشی از تمایل رضاشاه به آلمان و اعتقاد او به این که آلمان در جنگ پیروز خواهد شد دانسته اند. (عامری، ۱۳۸۷: ص ۱۳۵) نگاهی به تاریخچه روابط دو کشور ما را در فهم این مسئله یاری می‌کند که چرا حضور آلمانی‌ها در ایران برای متفقین مایه‌ی نگرانی بود.

سابقه تاریخی روابط ایران و آلمان

امپراطوری آلمان خیلی دیرتر^۱ از امپراطوریهای روسیه و انگلستان در صحنه سیاسی و اقتصادی ایران ظاهر شد. در زمان صفویه و از طرف شاه عباس اول کوششی برای ایجاد روابط با آلمان به عمل آمد ولی به نتیجه مطلوب نرسید. در نیمه دوم قرن نوزدهم و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار روابط سیاسی و اقتصادی بین ایران و آلمان برقرار شد. این رابطه در طول جنگ اول جهانی ادامه پیدا کرد. در سال ۱۹۱۴ که این جنگ شروع شد و ایران بی طرفی خود را اعلام کرد مورد تجاوز سه کشور انگلیس، روسیه و ترکیه قرار گرفت. دولت و مجلس شورای ملی که اعضای حزب دموکرات هواخواه آلمان در آن اکثریت داشتند به تجاوزات این سه کشور شدیداً واکنش نشان دادند. دولت آلمان ضمن اینکه طرح عملیات خرابکاری و تشویق و تحریک مردم ایران به شورش علیه انگلیسیها و روسها را در دست اجرا داشت تلاش می‌کرد تا از مجرای دموکراتهای ایران که در کابینه و مجلس شورای ملی نفوذ فوق العاده داشتند، دولت ایران را در کنار آلمان و بر علیه روسیه و انگلیس وارد جنگ نماید. فعالیت و تلاشهای کنت کانیتز^۲ در تهران و همراهی و نزدیکی دولتمردان ایران با وی بخصوص حزب دموکرات، این شایعه را که عوامل ایرانی با کمک سفارت آلمان در تهران قصد انجام کودتا دارند تا بدان وسیله ایران را به حمایت از آلمان وارد جنگ کنند را بر سر زبانها انداخت. در طول این دوره معروفترین عامل آلمانی در ایران واسموس^۳ بود. او موفق شد که قبایل تنگستان و دشتستان و قشقاییها را متحد کرده و لطمات و

صدمات سختی به انگلیسیها در جنوب ایران وارد آورد. (ذوقی، پیشین: ص ۱۰-۱۶) این موارد باعث به وجود آمدن محبوبیت و نفوذ آلمان در ایران و زمینه ساز حضور اقتصادی و فرهنگی شد. روابط اقتصادی ایران و آلمان

تمایل رضاشاه به صنعتی کردن کشور^۴ فرصت خوبی برای آلمانیها فراهم آورد تا سهم مهمی از فعالیت های اقتصادی و صنعتی در ایران را بخود اختصاص دهند. ایران و آلمان در زمینه بازرگانی مکمل یکدیگر بودند، ایران مواد خام و محصولات کشاورزی و دامی مانند پنبه، غله، حبوبات، برنج، تریاک، پشم، پوست، دانه های روغنی و قالی در اختیار آلمان قرار میداد و آلمان نیز تولیدات صنعتی، ماشین آلات، لوازم فنی، وسائل نقلیه، قند و شکر، دارو و مواد شیمیایی و کارخانجات مورد نیاز را به ایران صادر می کرد و از این لحاظ آلمان توانست تدریجاً موقعیت تجاری مناسبی در ایران به دست آورد. در سال ۱۹۰۶ زمزمه های تاسیس بانک توسط آلمانیها در ایران شنیده شد.^۵ در سال ۱۹۲۵ هنرستان صنعتی در ایران و آلمان در تهران تاسیس گردید. (ذوقی، همانجا) در سال ۱۹۲۷ میلادی امتیاز حمل پست در سراسر ایران به شرکت هواپیمایی آلمانی یونکرس واگذار شد. در سال ۱۹۲۸ ساختمان راه آهن شمال به شرکتهای آلمانی مقاطعه داده شد و در ۱۷ فوریه ۱۹۲۹ سه قرارداد مودت - اقامت - تجارت و بحریمایی بین دو دولت در تهران منعقد گردید. و در سال ۱۹۳۰ اداره امور بانک ملی ایران به کارشناسان آلمانی سپرده شد. (مهدوی، ۱۳۴۹: ص ۲۲۶؛ نک: به روزنامه آینه ایران، ۱۳۰۸/۸/۱۱) علاوه بر این کامیونها و مهمات ارتش ایران از آلمان می آمد و ماشین های کارخانه باروت سازی تهران، آلمانی بود. دستگاه فرستنده تهران از کارخانه تلفونکن آلمان تهیه می شد. دو آلمانی به نامهای دوئیزبرک و اشکودا ماموریت یافتند که کارخانه های بافندگی، شیشه سازی آهن آلات و ماشین های کشاورزی را در سراسر ایران تاسیس کنند. بسیاری از دستگاه های هیدرو الکتریک، ایستگاه های راه آهن، مراکز تلفن، تلگراف و بندرها را کارشناسان آلمانی اداره می کردند و از طرفی دیگر بسیاری از دکاندارانی یهودی آلمانی بودند. در سال ۱۹۳۹ چهار استاد آلمانی برای دانشگاه تهران استخدام شدند و همچنین چاپخانه مجلس را نیز یک مدیر آلمانی اداره می کرد. (ساتون، ۱۳۲۵: ص ۱۱۳) در زمینه مبادلات تجاری نیز دو کشور همکاری منسجمی داشتند. از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی دولت آلمان با ایران برای مبادله کالاهای مورد نیاز دو کشور قرارداد پایاپای داشت و به موجب این قرارداد، در برابر محصولات کشاورزی که به آلمان صادر می شد ماشین و وسایل صنعتی از آلمان به ایران حمل می گردید و هر سال هیاتی برای تعیین میزان این کالاها به آلمان اعزام می شد. و در

یک کمیسیون دوجانبه وزارت امور خارجه آلمان میزان این کالاها را تعیین می کردند. این مذاکرات با حضور موسی نوری اسفندیاری^۶ و مدیرکل وزارت بازرگانی چند هفته ادامه پیدا می کرد. (قانع، ۱۳۷۷: ص ۱۴۲) در سال ۱۹۳۶ دولت ایران نوسازی تنها کارخانه سیمان موجود در ایران را به شرکت آلمانی به مقاطعه واگذار کرد. کارخانه های آلمانی، ماشین آلات مورد نیاز کارخانه های نساجی اصفهان و کرمان، کارخانه کاغذ سازی اصفهان، جمع آوری و خشک کردن محصول چای در نواحی مختلف ایران و تنها کارخانه یخ کشور را آماده می کردند. در زمینه موتورهای الکتریکی و کارخانه برق، کارخانه مشهور زیمنس، بازار ایران را در دست داشت. در سال ۱۹۳۷ علائم تجاری شرکت های آلمان که در ایران به ثبت رسیده بود از علائم تجاری هر کشور دیگری بسیار فراوانتر بود. (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ص ۱۲۵) در سال ۱۹۳۸ خط کشتیرانی مستقیم بین هامبورگ و خرمشهر دایر شد و شرکت هواپیمایی لوفت هانزا خط هوایی تهران - برلن را تاسیس کرد. (مهدوی، ۱۳۸۰: ص ۳۹۸)

روابط فرهنگی

در زمینه مسائل فرهنگی نیز مراودات خاصی بین دو کشور برقرار بود یک مجله ایرانی در سال ۱۹۱۶ در برلن انتشار یافت و تا سال ۱۹۱۹ چاپ می شد. در سال ۱۹۲۲ دانشجویان ایرانی را به آلمان فرستادند و از آن تاریخ به بعد شمار دانشجویان مزبور رو به افزایش گذارد. با ظهور هیتلر تبلیغات آلمان در ایران شدت پیدا کرد این تبلیغات طوری جریان می یافت که بنا به قول ساتون ایرانیان آن را می پذیرفتند زیرا مردم ایران نه تنها هواخواه یک دولت مقتدری هستند بلکه می خواهند آنها را آریایی اصلی تصور کنند و روی همین نظر یک مجله فارسی به کمک آلمانها از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۷ با نشان صلیب شکسته در صفحه اول به نام ایران باستان در ایران منتشر می شد « (بینا، ۱۳۲۰: ص ۷۶) و یا سفر بالدورفن شیراخ رئیس جوانان حزب نازی به تهران در آذر ۱۳۱۶ / نوامبر ۱۹۳۷ و سخنرانی در جشن رهایی و آزادی ایران از استعمار خیلی مورد توجه مقامات ایرانی قرار گرفت. (فرید، ۱۳۴۴: ص ۹۱)

برای رهبران ایران بازدید نمایندگان عالی رتبه یک قدرت بزرگ فی النفسه نشانی از ترقی و تعالی به شمار می رفت و موجب افزایش اعتماد به نفس آنها بود. آلمانی ها با پشتکار و دقت تمام احساسات ناسیونالیست ملیون ایرانی را تحریک کردند و توانستند با تبلیغات خود پیرامون رویای یک ایران بزرگ محافل روشنفکری و نظامی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. (بینا، همانجا)

روابط دو کشور به ویژه با انعقاد قرارداد تهاتری ایران و آلمان در میانه دوران رضاشاه به تدریج افزایش می یافت. این قرارداد در رونق روابط تجاری دو کشور بسیار موثر بود. دکتر شاخت رئیس اقتصاد آلمان از ایران بازدید کرد و با مقامات ایرانی و رضا شاه مذاکراتی به عمل آورد. اما آن چه برای آلمان بیشتر اهمیت داشت آن بود که در صورت آغاز دشمنی‌ها و بروز احتمالی جنگ، ایران را به خاطر داشتن مواد خام و فضای مناسب در کنار خود داشته باشد. (بلوشر، ۱۳۶۹: ص ۱۴۲)

برای رضا شاه نیز حکومت نازیها به مراتب از حکومت پیشین وایمار یا هر حکومت دموکراتیک دیگری در اروپا قابل فهم تر و خوشایندتر بود زیرا می توانست فعالیتهای جراید و روزنامه نگاران و به ویژه مخالفین وی را در برلین به کنترل خود درآورد. هراس رضا شاه از کمونیسم و امکان شیوع آن در سیاست خارجی ایران رکنی اساسی در تعیین جایگاه آلمان به عنوان همراه ایران در مناسبات جهانی محسوب می شد. (خاطرات آقا بیگف، ۱۳۵۷: صص ۳۲-۱۲۳) از این منظر در دوره دوم سلطنت رضاشاه ورود عناصر آلمانی به ایران افزایش پیدا کرده بود. دولتمردان ایرانی نیز به این نتیجه رسیده بودند که استخدام متخصصین آلمانی برایشان به صرفه تر است. در سندی که از رئیس الوزرا به وزارت داخله به دست آمده بر این موضوع تاکید شده است.

[شیر و خورشید]

« حاشیه: مقتضی است به سفارت برلن گفته شود که در این باب رویه میانه بین تشویق و منع را اختیار نمایند، یعنی در نظر داشته باشند که آمدن اشخاص هنرمند به ایران مانعی ندارد و دولت ایران نظر خاصی به هیچ قوم و طایفه و ملت ندارد، طبابت هم برای اطبای خارجی ممنوع نیست، فقط تابع مقررات قانونی است که ناچار باید رعایت کرده و آن مقررات هم از روی مصالحی وضع شده که تغییر آن فعلا مقتضی نیست، و لیکن مسلم است که طبیب و هنرمند عالی مقام را هم دولت بی جهت به ولایات بی اهمیت تبعید نخواهد کرد.

کابینه ریاست وزراء - نمره عمومی ۶۶۴۱ - تاریخ ثبت ۱۳۱۲/۱۰/۳ (به نقل از: آذری شهر رضایی، ۱۳۷۴: ص ۲۶)

بر اساس آمار شهربانی ایران ۶۱۶ آلمانی به عنوان تکنسین در صنایع گوناگون چون راه آهن و معادن و کشاورزی، یا به عنوان مستشار وزارتخانه‌های مختلف در استخدام دولت ایران بودند. تعدادی نیز در مدارس عالی ایران تدریس می کردند و گروهی نیز به طبابت یا تجارت اشتغال داشتند. حدود ۶۰ ملوان آلمانی نیز در کشتیهایی که در بندر شاپور گرفتار شده بودند، اقامت داشتند. تعدادی از اتباع آلمان نیز در سفارت آن کشور در تهران و کنسولگری تبریز خدمت

می‌کردند. باقی آلمانیهای مقیم ایران را اعضای خانواده افراد مزبور تشکیل می‌دادند. (استورات، ۱۳۷۰، ص ۸۷) نکته قابل توجه این بود که نقل و انتقالاتی که در بین آلمانیها انجام می‌گرفت ظاهراً برای امور فنی بود در حالیکه در پس هر کدام از این جابجایی‌ها اعضای از حزب نازی به ایران می‌آمدند. (بهبهانی، ۱۳۸۳: صص ۱۴-۱۲) که این مسئله مایه‌ی نگرانی متفقین از امور جاری در ایران می‌شد.

بولارد^۷ سفیر انگلستان در کتاب خاطرات خود در این ارتباط می‌نویسد «از حدود ژانویه ۱۹۴۱/دی ماه ۱۳۱۹ گزارشهای متعددی به ما می‌رسید که حکایت از افزایش روز افزون انواع کارشناسان و بازرگانان آلمانی در ایران داشت. این گزارشها اغلب نشان می‌داد که بسیاری از این افراد در حقیقت افسر ارتش آلمان هستند و وظیفه آنها در ایران به هیچ وجه با موسسه‌ای که ظاهراً در آن مشغول به کارند ارتباط ندارد. آلمانیها در کلیه محافل و مجالس تهران شاخص بودند و خانه قهوه‌ای به عنوان مرکز تبلیغاتشان به شدت فعالیت می‌کرد. تعداد کثیری از اتباع آلمان در ایران به سر می‌بردند و تقریباً قسمت اعظم تجارت خارجی کشور را چه در مورد صادرات و چه واردات به دست داشتند. آنها حتی یک کمپانی بزرگ نیز تاسیس کرده بودند که به امر حمل و نقل کالای مورد نیاز دو کشور اشتغال داشت. ولی مسئله اینجاست که بیشتر آلمانیهای مقیم ایران از موقعیت خود برای فعالیت‌های غیر تجارتي استفاده می‌کردند.» (بولارد، ۱۳۶۲: ص ۴۶)

اشغال متفقین

با حمله آلمان به شوروی بی‌طرفی ایران نقض شد روزنامه اطلاعات در این مورد نوشت «تا چند روز پیش، دولتین شوروی و آلمان روابط و مناسبات نزدیک داشتند و عوامل ماجراجو سعی می‌کردند، هر لحظه ما را از دولت همسایه شمالی نگران سازند و هر روز با مطرح نمودن مسایلی چون تمرکز قوا در مرزها و نمایش نظامی در نواحی نزدیک ما و یا احتمال سازش آلمان و شوروی به ضرر ایران برآن بودند که موجبات تیرگی روابط ما را با شوروی فراهم ساخته و از این سوءتفاهمات نتیجه بگیرند و حالا هم که ورق برگشته آلمان و شوروی را نسبت به ما نگران ساخته و سعی دارند، روابط ما را با آلمان تیره سازند و حتی صریحاً فشار مشترک دولتین شوروی و انگلیس به ایران را تذکر می‌دهند. در صورتی که روش ایران حفظ کامل بی‌طرفی و سعی در رعایت دوستی خود با تمام کشورها و به خصوص همسایگان است» (روزنامه اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۵۷۹، تیرماه ۱۳۲۰: ص ۳) از این زمان به بعد کم‌کم فشار نیروهای متفقین بر ایران زیاد

می شد.^۸ در ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ سرریدر بولارد و اسمیرنف^۹ سفرای انگلیس و شوروی در تهران، اولین یادداشت مشترک دو کشور را تسلیم دولت ایران کردند. در این یادداشت از فعالیت آلمانی های مقیم ایران ابراز نگرانی شده و دو سفیر خواهان اخراج آنها شده بودند. متفقین به وسیله حربه های گوناگون^{۱۰} سعی در ایجاد تضعیف موقعیت آلمانها داشتند. انگلیسی ها حضور آلمانها را بهانه تهاجم خود قرار داده بودند چرا که کابینه جنگ انگلیسی ها در جلسه محرمانه ای که در ۴ اوت ۱۳۲۰/۱۹۴۱/۱۳ مرداد ۱۳۲۰ یعنی حدود سه هفته قبل از اشغال ایران داشتند در مورد خطر وقوع کودتای اتباع آلمانی در ایران، به این نتیجه رسیدند که اتباع آلمانی بدون دخالت مستقیم نظامی و اشغال ایران در موقعیتی نیستند که کودتا کنند. در این گزارش بر این نکته تاکید شده که دخالت نظامی آلمان در موقعیتی کنونی ناممکن است، زیرا ترکیه اجازه نخواهد داد سربازان ارتش آلمان برای حمله با ایران از خاک ترکیه عبور کنند.^{۱۱} در روز ۲۵ مرداد مجدداً دولتین شوروی و انگلیس از دولت ایران خواستار شدند که اتباع آلمانی را از خاک خود اخراج نمایند همان روز رادیو لندن در گفتاری اعلام کرد که در ایران ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ آلمانی امنیت همسایگان را بهم می زنند و در اوضاع فعلی، ایران مرکز عمده جنگ در آسیا محسوب می شود. (عاقلی، ۱۳۷۹: ص ۴۵۳) نگرانی دیگر انگلستان تاسیسات و منابع نفتی ایران در جنوب بود. خرابکاری در صنایع و تاسیسات نفت از اهداف مهم آلمان در ایران به شمار می رفت. به علاوه پیشروی ارتش آلمان در جبهه شرق (روسیه) و نزدیکی آنان به قفقاز تهدید دیگری برای متفقین بود. روسها نیز برای نفرت از رضا شاه دلایل خود را داشتند. علاوه بر نزدیکی وی به آلمانها، در سالهای گذشته حکومت رضاشاه در قلع و قمع و نابودی مارکسیستها و جریانات چپ در ایران تردیدی به خود راه نداده بود. روابط ایران با شوروی در این دوره بسیار سرد و فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی بسیار اندک بود. بعلاوه رضاشاه به استالین و کمونیستهای حاکم بر مسکو اعتماد نداشت. (زیبا کلام، ۱۳۸۳: ص ۵۹) بر طبق اسناد از طبقه بندی خارج شده وزارت امور خارجه انگلستان، آنها به این نتیجه رسیده بودند که باید ایران را اشغال کنند.

۱۳۲۰/۴/۱۹ - ۱۹۴۱/۷/۱۰

و خا ۳۷۱ - ۲۷۲۳۰ - ای ۳۷۰۷

« ما باید بدانیم که پاک کردن ایران از حضور آلمانی ها برای دفاع از هند ضرورت فوری دارد. اگر این کار انجام نشود امکان دارد حوادثی نظیر آنچه در عراق روی داد، تکرار شود. لازم

است با روس ها برای اقدام در ایران همدست شویم در صورتی که دولت کنونی ایران آماده برای انجام کمکهای لازم جهت تأمین این کار نباشد، باید حکومت دیگری جایگزین آن شود که حاضر برای انجام آن شود. « (انورخامه ای، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۶۰) پس از این، دو کشور مصمم به حمله شدند. نمایندگان سیاسی دو کشور انگلیس و شوروی در یادداشتی به علی منصور نیت خود را به اطلاع دولت ایران رساندند. آنها در یادداشت خود عنوان کردند که: « چون دولت ایران در پاسخ به درخواستهای ۲۱ تیرماه و ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲۰ دولتهای انگلیس و شوروی، در این موقع تاریک و خطرناک، سیاست مبهم در پیش گرفته و اظهارات و تذکرات دوستانه ما را با حسن نیت تلقی نکرد و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچ گونه اقدامی ننمود، بدین جهت دولت های شوروی و انگلیس ناگزیر دیدند، به نیروهای مسلح خود دستور دهند از مرزهای ایران عبور نمایند و اینک با کمال تاسف به آقای نخست وزیر اطلاع می دهیم که واحدهای شوروی و انگلیس طبق دستور ستادهای مربوط خود وارد خاک ایران شدند و مشغول پیشروی هستند. بدیهی است که این اقدام علیه استقلال ایران صورت نگرفته. بلکه منظور از آن جلوگیری از عمال آلمانی است که امنیت شوروی را به مخاطره انداخته و پس از رفع خطر از کشور شوروی، نیروهای انگلیس و شوروی از خاک ایران خارج می شوند و تمامیت ایران را به رسمیت می شناسند. « (وزارت امور خارجه، آرشیو، پرونده ۱۱، کارتن ۴۱، ۱۳۲۰) پس از این موضع گیری نیروهای متفقین وارد خاک ایران شدند. نیروی انگلیس در جنوب و مغرب خطی که از نقاط خانقین، کرمانشاهان، خرم آباد، مسجدسلیمان، هفتگل، گچساران، رامهرمز و بندر دیلم و نیروی شوروی در شمال خطی که از قصبه اشنو، حیدر آباد، میاندوآب، زنجان، قزوین، خرم آباد، مازندران، بابل، زیرآب، سمنان، دامغان، شاهرود، علی آباد تا رود اترک می گذشت مستقر شدند. (فائز مقامی، ۱۳۵۴: ص ۶۷) از فاصله سوم شهریور تا بیست شهریور مکاتبات متعددی بین متفقین و دولت ایران صورت گرفت. رضاشاه چون وضعیت را بحرانی دید فروغی را مامور انجام مذاکره با متفقین ساخت. و او با سفرای روس و انگلیس به مذاکره نشست که نتیجه ای در بر نداشت. روزنامه اطلاعات در ۱۹ شهریور مطالبی را منتشر ساخت که از اقدامات دولت مبنی بر حل مشکلات مردم انتقاد کرده بود. همچنین چون در تهران به دروغ منتشر شده بود که عده ای از آلمانیهای مقیم ایران فرار کرده اند یا مخفی شده اند. دولتهای روس و انگلیس همین فرار اتباع آلمانی را بهانه کردند و گفتند چون دولت ایران قادر به انجام تعهدات خود مبنی بر اخراج آلمانیها

از ایران نیست لذا چاره ای نیست جز قوای روس و انگلیس تهران را اشغال کنند. (گرامی، ۱۳۳۵: ص ۲۲۲) پایتخت در تب شدید بحران سیاسی می سوخت. مغازه های بزرگ تعطیل شده بود و شایعه انتقال پایتخت از تهران به اصفهان زبان به زبان می گشت. (شمیم، ۱۳۴۴: ص ۷) در چنین شرایطی بود که فروغی استعفانامه رضا شاه را تنظیم کرد^{۱۲} که در آن آمده بود: «نظر به اینکه من، همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده‌ام و ناتوان شده‌ام حس می‌کنم اینک وقت آن رسیده که یک قوه بنیه جوان تری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت ملت ایران را فراهم آورد. بنابراین، امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کرده و از کار کناره نمودم. از امروز که ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشکری، ولیعهد و جانشین قانونی مرا به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروزی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند نسبت به ایشان هم منظور دارند. (برای ملاحظه متن سند رک: ضمیمه شماره ۲؛ سجادی، ۱۳۴۱: ص ۱۱۶) به این صورت متفقین باعث استعفای رضاشاه شدند و از شهریور ۱۳۲۰ تا پایان جنگ جهانی دوم در ایران حضور مستمر داشتند. که این حضور عواقب اجتناب ناپذیری برای ایرانیان به خصوص در حوزه اقتصادی بر جای گذاشت^{۱۳}.

نتیجه گیری:

با توجه به مسائل مطرح شده در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که از آنجا که دولت ایران صراحتاً بی طرفی خود را در جنگ اعلان داشته بود، متفقین به دنبال دستاویزی بودند تا بدان وسیله اشغال نظامی این کشور را توسط نیروهای خویش در نظر جهانیان موجه جلوه دهند. در این راستا متفقین، حضور آلمانی‌ها در ایران را دستاویز قرار داده و دست به تبلیغات گسترده‌ای در مورد فعالیت ستون پنجم و جاسوسان آلمانی در ایران زدند. متفقین عنوان می‌کردند که وجود آلمانی‌ها برای آنان ایجاد خطر نموده است. به عقیده طرفداران این نظریه، خطر آلمانی‌ها در ایران برای متفقین، بهانه‌ای بیش نبوده است و انگلستان با اتکاء به گزارش‌های محرمانه سازمان جاسوسی خود، تردیدی نداشت که اتباع معدود آلمانی شاغل در ایران در موقعیتی قرار ندارند که به چنین عملی دست بزنند. اما در خصوص این که آیا تقاضای اخراج آلمانی از ایران، تنها بهانه‌ای برای تجاوز بوده یا واقعاً حائز اهمیت محسوب می‌شده است، در پاسخ باید گفت اسناد و مدارک کافی نشان می‌دهد که اخراج اتباع آلمانی به راستی برای متفقین اهمیت واقعی داشته و وجود این اشخاص در ایران در نظر آن‌ها خطر جدی به شمار می‌آمده است.

چنانکه آیدن^{۱۴} طی ملاقاتی می‌کوشید به مقدم وزیر مختار ایران نشان دهد آلمانی‌ها نه تنها برای متفقین بلکه برای دولت ایران نیز خطرناک هستند. همچنین استالین در ملاقات محرمانه‌ای با سراساتفورد کریپس^{۱۵}، از خطر تمرکز کارشناسان آلمانی برای خرابکاری در منابع نفت باکو اظهار نگرانی شدید نمود و معتقد بود متفقین باید « علیه این خرابکاری دست به اقدام مشترک بزنند. » همانگونه که ملاحظه گردید، در نظر متفقین وجود تعدادی از اتباع آلمانی در ایران، و فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی آنها شرایط را از هر جهت برای فعالیت ستون پنجم آلمان فراهم نموده بود. نکته بسیار مهم آن که، مشاغل مهم و کلیدی در راه آهن، کارخانه‌های صنایع جنگی، صنایع حمل و نقل و غیره در اختیار آلمانی‌ها قرار داشت و از این رو آلمانی‌ها می‌توانستند در صورت حمله آلمان به منطقه، به صورت یک نیروی ستون پنجم وارد عمل شوند. بدین سان مشاهده می‌گردد که خطر عمال آلمان برای همه سیاستمداران انگلیسی مسلم بوده، تنها میان آن‌ها در مورد اقدام علیه آلمان‌ها در ایران اختلاف نظر جدی وجود داشته است، اما پیشروی سریع آلمان‌ها در خاک شوروی و همچنین نیاز مبرم این کشور به کمک انگلیس و آمریکا، به اضافه خطر روزافزون عمال آلمان در ایران، موجب گردید به تدریج اختلاف نظر میان سیاستمداران انگلیس از میان برود و همه آن‌ها متفقاً مصمم شوند ایران را از حالت بی‌طرفی خارج سازند و یا به اقدام شدیدی در ایران دست بزنند. یادداشت:

۱- بنا به بعضی روایات روابط دو کشور در قرن ۱۵ میلادی در زمان فرمانروایی فردریش سوم فرمانروای ایالت شلزویک هولشتین گوتورپ در (شمال آلمان) صورت گرفت. فردریش سوم در جریان جنگ‌های سی ساله و نبرد با دانمارکی‌ها هیئتی را به ایران فرستاد زیرا از این سرزمین انتظار کمک داشت. (به نقل از: آریان پور، امیر اشرف: مجله هنر و مردم، شماره ۱۴۶/۱۴۷، ص ۴۲)

2 - Count Kanitz (وابسته نظامی سفارت آلمان)

۳- شرح کامل مأموریت و عملیات واسموس در کتابی تحت عنوان فعالیت‌های جاسوسی واسموس یالانزس آلمانی در ایران بقلم کریستوفر سایکس برشته تحریر در آمده، این کتاب توسط حسین سعادت نوری ترجمه شده و توسط انتشارات وحید در سال ۱۳۴۸ منتشر گردیده است.

4 - Eckart Ehlers and Willem Floor, Urban change in Iran, 1920-1941, pp 251-277

5 - Ramazani, The Foreign policy of Iran 1500-1941 A developing nation in world Affairs, p 117

۶- موسی نوری اسفندیاری از مرداد ۱۳۱۹ تا شهریور ۱۳۲۰ وزیر مختار ایران در آلمان بود. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران از سوی متفقین، روابط ایران و آلمان قطع گردید و اسفندیاری به تهران فراخوانده شد.

7 - Bullard

8 - Taji, *Irans Foreign policy, 1941-1973 A study of Foreign policy in Modernizing Nation*, 1975, p 60

9 - Smirnov

۱۰- متفقین با حربه شعر که در فرهنگ ایران حربه ای موثر است به مبارزه تبلیغاتی با آلمان و طرفداران آلمان نازی پرداختند و جالب این که ایرانیان نیز گه گاه با همین حربه به پاسخگویی برمی خاستند. از جمله آفیش بزرگی متفقین چاپ کرده بودند و بر آن تصویر مشتی قوی دیده می شد که از آستین منقش به پرچم های متفقین بیرون آمده و صلیب شکسته را درهم کوبید و خورد کرده است. زیرا این آفیش در میدان راه آهن با خطی زیبا نوشته بودند: « آدم عاقل به بیشتر نزند مشت »

11 - F.O. 371: *Persia in situation in Persia: 27152: No, 82229. 1947.*

نک: گنج بخش زمانی، محسن، « تحلیل اشغال ایران در جنگ جهانی دوم در چارچوب اهداف و استراتژیهای کلان متفقین (انگلیس و شوروی)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۳۰، ص ۱۶۲

12 - L.P.Elwell-sutton, *The Iranian press.1941-1947, , Iran, vol6, 1968, pp 65-104*

13 - Mc Farland, *Anatomy of an Iranian political crowd*, 1985, pp, 51-65

14 - Eden

15 - Sir Staford Cripse (سفیر انگلیس در مسکو)

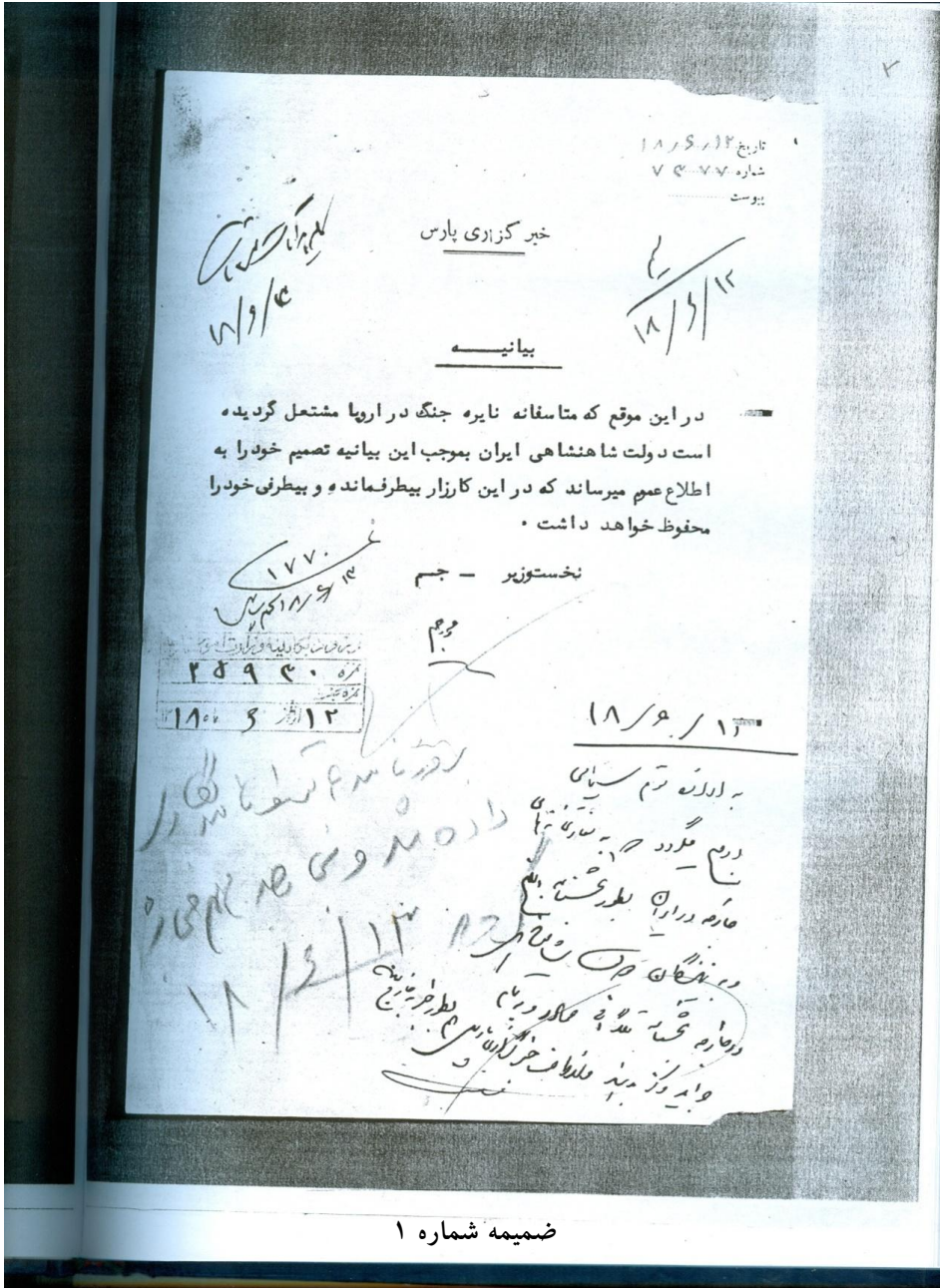
منابع و ماخذ:

- ۱- گنج بخش زمانی، محسن، « تحلیل اشغال ایران در جنگ جهانی دوم در چارچوب اهداف و استراتژیهای کلان متفقین (انگلیس و شوروی)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۳۰
- ۲- استورات، ریچارد (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه (تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰) ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی - کاوه بیات، تهران، معین
- ۳- انورخامه‌ای (۱۳۷۸)، سالهای پر آشوب: پژوهشی در تاریخ معاصر ایران بر بنیاد اسناد از طبقه بندی خارج شده انگلستان، آمریکا و ایران، نشر و پژوهش فروزان
- ۴- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۷۴)، دولت ایران و متخصصان مهاجرآلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰)، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران
- ۵- آریان پور، امیر اشرف: مجله هنر و مردم، شماره ۱۴۶/۱۴۷
- ۶- بلوشر، وپرت (۱۳۶۹)، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران
- ۷- بولارد، رید (۱۳۶۲)، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو
- ۸- بهبهانی، سیدعلی (۱۳۸۳): «پل پیروزی متفقین» ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال سوم، شماره ۲۴، شهریور
- ۹- بینا، فتح الله (۱۳۲۰)، سرگذشت رضا شاه، تهران
- ۱۰- خاطرات آقا بیگف (۱۳۵۷)، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام
- ۱۱- درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، (۱۳۵۵) ج ۱، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، تهران
- ۱۲- ذوقی، ایرج (۱۳۶۷)، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، پازنگ
- ۱۳- رمضان، عباس (۱۳۸۶)، رضاشاه، تهران، ترفند
- ۱۴- روزنامه اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۵۷۹، تیرماه ۱۳۲۰
- ۱۵- روزنامه آینه ایران، ۱۳۰۸/۸/۱۱
- ۱۶- زیبا کلام، صادق (۱۳۸۳)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۲۲-۱۳۲۰)، تهران، سمت
- ۱۷- ساتون، پی. ال (۱۳۲۵)، ایران نو، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران، چاپخانه شرکت مطبوعات
- ۱۸- سجادی، محمد (۱۳۴۱)، از ترک مناصمه تا استعفای رضاشاه، سالنامه دنیا، شماره ۱۸

- ۱۹- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت محمد رضا شاه پهلوی، تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، شهریور ۱۳۴۴
- ۲۰- عاقلی، باقر (۱۳۷۹)، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران، نامک
- ۲۱- عامری، هوشنگ (۱۳۸۷)، از رضاشاه تا محمدرضا پهلوی، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه
- ۲۲- فرید، ناصر (۱۳۴۴)، سرنوشت استعمار در ایران، ج ۱، تهران: ابن سینا
- ۲۳- قانعی، سعید (۱۳۷۷)، دو چهره مرموز، تهران، زریاب
- ۲۴- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۴)، ایران امروز، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، چاپ زر
- ۲۵- گرامی، محمدعلی (۱۳۳۵)، تاریخ اقتصادی سیاسی و اجتماعی و نظامی دوران رضا شاه، تهران، انتشارات شاهنشاهی پهلوی
- ۲۶- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۱)، غرب و شوروی در ایران (سی سال رقابت ۱۹۱۸-۱۹۴۸)، ترجمه حورا یآوری، انتشارات ابن سینا
- ۲۷- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۰)، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، امیر کبیر
- ۲۸- مهدوی، هوشنگ (۱۳۴۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر
- ۲۹- وزارت امور خارجه، آرشیو، پرونده ۱۱، کارتن ۴۱، سال ۱۳۲۰

منابع لاتین

1. L.P.Elwell-sutton, The Iranian press.1941-1947, Iran, vol6, 1968
2. Stephan I. Mcfarland, Anatomy of an Iranian political crowd: The Tehran Bred Riot of December 1942., International Journal of Middle East, studies, vol17, no1, Feb1985
3. Rouhollah k Ramazani, The Foreign policy of Iran 1500-1941 A developing nation in world Affairs, university press of Virginia, 1966
- 4.Koorosh ,Taji,Irans Foreign policy, 1941-1973 A study of Foreign policy in Modernizing Nation, The University press of Virginia
5. Eckart Ehlers and Willem Floor, Urban change in Iran, 1920-1941, Iranian Studies, volume 26, numbers 3-4, summer/fall 1993





پهلوی شاهنشاهی ایران

۵۴۴
۵۰۶

نظر با کتبه فرستاده خود را در این جهت که امر و فرمانها را در
تاریخ و کتب محکم که این وقت آن است که یک کتبه و
نیز جراتش را در کشور که وقت دائم لازم دارد و هر یک از آنها
مستور در وقت است و فراموشی آنرا در این املاک است و این
در وقتین حرف تو فیض محکم و از کارگزاران محکم از این که
بیرت و خیم از این ماه ۱۳۲۰ است محرم است از کشور
لنگر و میوه و جواهرات از این املاک است که
و آنچه از این املاک از این کشور است که
کاف مر مر ایران
۲۵ خرداد ۱۳۲۰

۴۴۸۵۱



ضمیمه شماره ۲

